

# طراحی الگوی مفهومی نظام جامع آموزش کارآفرینی: ابعاد، عناصر و مولفه ها

محسن دیبایی صابر<sup>۱</sup>، مهدی سبحانی نژاد<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: 1399/06/19

تاریخ پذیرش: 1399/12/01

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی نظام جامع آموزش کارآفرینی انجام شد. روش پژوهش، کیفی و مبتنی بر نظریه داده بنیاد است. جامعه آماری پژوهش متخصصان حوزه های؛ برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی، تدریس، روان شناسی و آموزش کارآفرینی، بودند. هجده نفر نمونه به شیوه هدفمند انتخاب و با آنان مصاحبه در حد اشباع انجام شد. ابزار گردآوری داده، فرم مصاحبه نیمه - ساختاری بود. داده های حاصل از مصاحبه به منظور دریافت معانی نهفته بر حسب رهیافت گلیزری کد گذاری باز، محوری و انتخابی شد. جهت تامین اعتبار یافته ها از روش بازبینی اعضا و برای افزایش پایایی از روش های؛ اجرای فرایند نظام مند ثبت، ضبط و نوشتن داده ها، استفاده شد. شش بعد نظام آموزشی شامل؛ سیاست گذاری، برنامه درسی، معلم، دانش آموز، تدریس و یادگیری از دید صاحب نظران جهت دست یابی به عناصر و مولفه های نظام جامع آموزش کارآفرینی تحلیل داده بنیاد شد. نتایج نشان داد در بعد سیاست گذاری؛ نیازسنجی و تضمین کیفیت، در بعد برنامه درسی؛ استانداردهای برنامه درسی و بلوغ برنامه درسی، در بعد معلم؛ وی به عنوان برنامه ریز درسی و نیز مجری فعال، در بعد دانش آموز؛ خبرگی، توسعه شخصی، خطرپذیری و عزت نفس دانش آموز، در بعد تدریس؛ تعامل های پیوسته و پویا و در بعد یادگیری؛ یادگیری چند بعدی و یادگیری مستمر، از جمله بنیادی ترین مولفه های نظام جامع آموزش کارآفرینی می باشند.

واژه های کلیدی: کارآفرین، نظام، ابعاد، عناصر، مولفه، مدل سازی داده بنیاد.

---

<sup>۱</sup>استادیار برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد  
([m.dibaei1359@gmail.com](mailto:m.dibaei1359@gmail.com)) شماره تماس 09127509953 نویسنده مسئول

<sup>۲</sup>دانشیار برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد  
[msnd47@gmail.com](mailto:msnd47@gmail.com)

**مقدمه:**

در حال حاضر کاربرد واژه کارآفرینی<sup>۱</sup> بسیار گسترده شده و برهمگان آشکار شده که کارآفرینی فقط منحصر و محدود به حوزه کسب و کار نبوده، بلکه در خارج از قلمرو آن نیز در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی مطرح شده است و تعاریف جامع‌تری از مقوله کارآفرینی ارائه شده (صمد اقای، 1390) که در آن فقط، اشتغال‌زایی یا ایجاد کسب و کار مطرح نیست، بلکه افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد مدنظر می‌باشد (مک فرسون، 2003 به نقل از سبزه 1397) تا جایی که بعضی آن را به عنوان یک شیوه زندگی تعریف کرده و بعضی آن را با خلاقیت و نوآوری همزاد دانسته‌اند (دراکر 1958<sup>۲</sup> به نقل از سبزه 1397). آنچه که مسلم است عوامل زیادی تعیین‌کننده موفقیت در فرآیند کارآفرینی هستند، یکی از آسان‌ترین روش‌ها برای تضمین دستاوردهای کارآفرینانه، آموزش است (وندراسلوپس و ونپراگ<sup>۳</sup>، 2008). امروزه تقریباً در تمام پایه‌های تحصیلی همه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، آموزش و ترویج کارآفرینی جایگاه ویژه‌ای دارد. درباره آموزش مهارت‌ها و رفتارهای کارآفرینانه از طریق نظام آموزشی، بحث و نظریات فراوانی در میان محققان مطرح شده و نتایج بسیاری از تحقیقات از جمله (سان دیراسگارن و همکاران<sup>۴</sup>، 2016)، (رامب و همکاران<sup>۵</sup>، 2015) نشان داد که کارآفرینی چیزی نیست که یک-باره و ناگهان در ذهن کسی ایجاد گردد؛ بلکه نتیجه فرآیندی است که باید از ابتدای کودکی آغاز گشته و بتدریج در دوره‌های بالاتر تکمیل شود و بر این اساس نتیجه گرفته شد که مهارت‌های کارآفرینی قابلیت آموزش‌پذیری دارند. بر این اساس، آموزش کارآفرینی سطح آگاهی از خوداشتغالی، انگیزه‌های افراد برای تجهیز خود به مهارت‌ها، دانش و تجربه موردنیاز برای ایجاد و توسعه یک کسب و کار مؤثر را ارتقاء می-دهد (ون پراگ و همکاران<sup>۶</sup>، 2019) و می‌تواند یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای تسهیل انتقال جمعیت فارغ-التحصیلان به بازار کار باشد. تجربه‌های آموزش کارآفرینی در بعضی از کشورها نشان می‌دهد با آموزش کارآفرینی می‌توان کارآفرین تربیت کرد (طغرابی و خمکاران 1398). بر این اساس سیاست‌گذاران و نظریه‌پردازان مختلف از قبیل کوئیب و زوترمر<sup>۷</sup>، (2004)، (کیرینا<sup>۸</sup>، 2010)، (اوستریک<sup>۹</sup>، 2010)، (اوگاندل<sup>۱۰</sup>، 2013) و ویس (2015) به اهمیت فرایندهای آموزش در توسعه و گسترش کارآفرینی به عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر و عامل توسعه و رشدیافتگی کشورها پی برده و آموزش را به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده و تاثیرگذار بر میزان توسعه و گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه در یک کشور قلمداد می‌کنند. بر این اساس در اکثر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه رشته‌های دانشگاهی مرتبط با کارآفرینی افزایش یافته است و دوره‌های آموزش کارآفرینی علاوه بر اینکه جای خود را در رشته‌های مختلف دانشگاهی باز کرده است، همچنین در دوره‌های مختلف تحصیلی مانند پیش دبستان، دبستان و دبیرستان، نیز مورد توجه قرار گرفته است. این امر از سالیان قبل، آغاز شده و اولین کشوری که در زمینه آموزش کارآفرینی کار کرد و ترویج فرهنگ کارآفرینی را از سطح دبیرستان شروع کرد، کشور ژاپن است (احمدپور داریانی، 1394) اوایل دهه 70 در اروپا (کشورهای آلمان و انگلیس) و سپس در دهه 80 در آمریکا و سپس در بسیاری از کشورها مانند فیلیپین (1974)، هند (1983)، سنگاپور، مالزی (1986) و در ایران با تشکیل ساکا در سال 1367 (به نقل از گروه آموزشی سازمان اشتغال فارغ‌التحصیلان 1381) و تصویب طرح

1 - Entrepreneurship

2 - Drucker

3 - Van der Sluis, &amp; Van Praag

4 - Sandirasegarane et al

5 - Rambe et al

6 - van Praag et al

7 - Kuip &amp; Zoetermeer

8 - kirina

9 - Oosterbeek

10 - Ogundele

کاراد در سال 1381 (محمدی و همکاران، 1387) آموزش کارآفرینی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس توسعه فرهنگ کارآفرینی، ترویج و زمینه‌سازی برای آن یک ضرورت جدی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای هر کشور محسوب شده و در سرلوحه سیاست‌های نظام آموزشی قرار گرفته است. تحقیقات مختلفی در زمینه آموزش کارآفرینی صورت گرفته است که این موضوع را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. تحقیق کوئیب، ورهال<sup>1</sup> (2004)، حسینی‌خواه<sup>2</sup> (1388) و شیخان<sup>3</sup> (1388) در این رابطه بیان نموده‌اند که نظام‌های آموزشی به افراد کمک می‌کند تا پتانسیل‌های بالقوه خود را به بالفعل تبدیل نمایند و این امر در کارآفرین شدن آنها بسیار حائز اهمیت است. در نتایج این تحقیقات بر این نکته تأکید شده است که کارآفرینی فرایندی اکتسابی است و بهترین زمان برای آموزش مهارت‌های مختلف کارآفرینی همان دوران آموزش مدرسه و از طریق نظام آموزش و پرورش است. نظام آموزشی از عناصر مختلفی از قبیل معلم، دانش آموز، برنامه درسی، سیاست‌های آموزشی و ..... تشکیل شده است که هر کدام بر روی یکدیگر تأثیر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند هر کدام از این عناصر در برنامه آموزش کارآفرینی وارد شده و تحقیقات مختلفی بر اساس آنها انجام شده است به عنوان مثال کوپمن، هامر و هکرت<sup>4</sup> (2013)، اتویا، کیباس و اتویا<sup>5</sup> (2013) به نقش معلمان و روش تدریس کارآفرینی پرداخته و موفقیت در برنامه‌های آموزش کارآفرینی را به معلمان آموزش دیده و شیوه‌های تدریس خلاق و عملی دانسته‌اند یا جک و اندرسون معتقدند تدریس کارآفرینی یک معما است چرا که فرآیند کارآفرینی واقعی هم دربرگیرنده علم است و هم در برگیرنده هنر. محمدی الیاسی و همکاران (1393) ویژگی‌ها و شایستگی‌های خاصی را برای مدرسان جهت پرورش مهارت‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان شناسایی کرده‌اند. و در سال (1394) آنان در پژوهشی با هدف شناسایی الگوی منابع و روش‌های یادگیری کارآفرینان نوپا، منابع یادگیری کارآفرینان را شناسایی کرده‌اند. این در حالی است که بر مبنای تحقیقات انجام شده توسط عارفی<sup>6</sup> (1393) در حال حاضر در کشور ما برنامه‌های درسی با استفاده از الگوی موضوع محوری انجام می‌شود و اثری از شغل محوربودن در آنها دیده نمی‌شود. با توجه به تحقیقات فوق و نظرات متخصصان مختلف از قبیل (ماکالا<sup>3</sup>، 2013)، (جانسون<sup>4</sup>، 2015)، (هنلی همکاران<sup>5</sup>، 2017)، (غفار<sup>6</sup>، 2020)، مبنی بر این که رویکرد آموزشی نظام آموزش کارآفرینانه متفاوت از رویکرد نظام‌های سنتی است می‌توان گفت تا زمانی که نظام‌های آموزشی با تمامی ارکان و عناصر خود از لحاظ ماهیتی رویکرد کارآفرینانه نداشته باشند تحقق نظام کارآفرینانه محقق نخواهد شد. با توجه به این که کارآفرینی قابل آموزش دادن و یادگیری است، برای پرورش آن از سطوح ابتدایی آموزش و پرورش باید اقدام کرد و در سطح آموزش عالی به گونه‌ای تخصصی پرداخت. بر اساس بررسی‌های محقق تاکنون پژوهشی در خصوص تدوین مدلی برای عناصر نظام آموزشی به منظور شکل‌گیری نظام آموزشی کارآفرینانه انجام نشده است. بر این اساس این امر مورد توجه محقق قرار گرفته است و به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که عناصر نظام آموزشی (معلم، دانش‌آموز، برنامه درسی، فرایند آموزش، سیاست‌های آموزشی) به منظور شکل‌گیری نظام آموزشی کارآفرینانه دارای چه مولفه‌ی هستند؟ برای رسیدن به این مهم سوالات زیر طرح و به دنبال پاسخگویی به آن خواهیم بود.

- 1- عناصر و مولفه‌های بعد **سیاست‌گذاری** در نظام جامع آموزش کارآفرینی کدام است؟
- 2- عناصر و مولفه‌های بعد **برنامه درسی** در نظام جامع آموزش کارآفرینی کدام است؟
- 3- عناصر و مولفه‌های بعد **معلم** در نظام جامع آموزش کارآفرینی کدام است؟
- 4- عناصر و مولفه‌های بعد **دانش‌آموز** در نظام جامع آموزش کارآفرینی کدام است؟
- 5- عناصر و مولفه‌های بعد **تدریس** در نظام جامع آموزش کارآفرینی کدام است؟

1 - Kuip & Verheul

2 - Otuya, Kibas. & Otuya

3 - Mkala

4 - Johnson

5 - Henley et al

6 - Ghafar

6- عناصر و مولفه‌های بعد یادگیری در نظام جامع آموزش کارآفرینی کدام است؟

**روش پژوهش**

پژوهش حاضر، از نوع کیفی می‌باشد. یکی از انواع مختلف راهبردهای تحقیق کیفی، روش نظریه‌ی داده‌بنیاد است که به واسطه‌ی برخی ویژگی‌های خاص آن در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. جامعه‌ی اطلاعاتی پژوهش شامل، متخصصان حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و همچنین صاحب‌نظران حوزه آموزش کارآفرینی است. این افراد شناسایی و در خصوص ابعاد، عناصر و مولفه‌های نظام جامع آموزش کارآفرینی با آنان مصاحبه شد. این افراد به روش هدفمند انتخاب شدند. در این بخش محقق پس از مصاحبه با هجده نفر به اشباع رسید و فرایند مصاحبه متوقف شد. ابزار جمع‌آوری داده در این تحقیق مصاحبه نیمه ساختاریافته بوده است. مصاحبه با گروه‌های مختلف، تا حد اشباع پیش برده شد. در این تحقیق از نظریه داده بنیاد به عنوان شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. در بررسی نتایج مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و تحلیل محتوا به منظور پی بردن به معانی نهفته از رهیافت گلگیری استفاده و داده‌های حاصل از مصاحبه به صورت کدگذاری باز و کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی طبقه‌بندی شدند. به عبارت دیگر در این پژوهش، ابتدا پاسخ‌های مختلف به سوالات پژوهش مطالعه شدند تا با انواع پاسخ‌ها و میزان تکرار هر کدام آشنایی حاصل گردد (استخراج شواهد گفتاری) بر اساس همین پاسخ‌ها، طبقاتی که در برگیرنده بحث‌های مختلف هستند ایجاد شدند در واقع هر طبقه پاسخ‌های مشابه را در یک جا جمع می‌کند (مفهوم پردازی) در نهایت تمامی مباحث مطرح شده در پاسخ‌های ارائه شده برای سوالات، در یک طبقه کلان‌تر قرار گرفتند (مقوله پردازی). در این پژوهش برای بررسی اعتبار پژوهش از روش بازبینی اعضا استفاده شد. بدین ترتیب که از ده نفر از مصاحبه‌شوندگان تقاضا شد تا نسبت به دریافت محقق از صحبت‌های خود بازخورد ارائه دهند و نظرات خود را درباره مفاهیم و ابعاد مصاحبه‌ها بیان نمایند. نکته مهم در این خصوص این بود که در این تحقیق برای بررسی اعتبار پژوهش به دنبال این نبودیم که نوشته‌های خام جهت بررسی به شرکت-کنندگان برگردانده شود؛ بلکه برعکس، محقق بخشی از تولیدات اصلاح شده، تحلیل مورد و غیره به شرکت-کنندگان برگردانده است. با توجه به اینکه در این پژوهش برای سوال تحقیق از مصاحبه به عنوان ابزار اصلی گردآوری داده‌ها استفاده شد، برای افزایش پایایی تحقیق از روش‌های زیر استفاده شد:

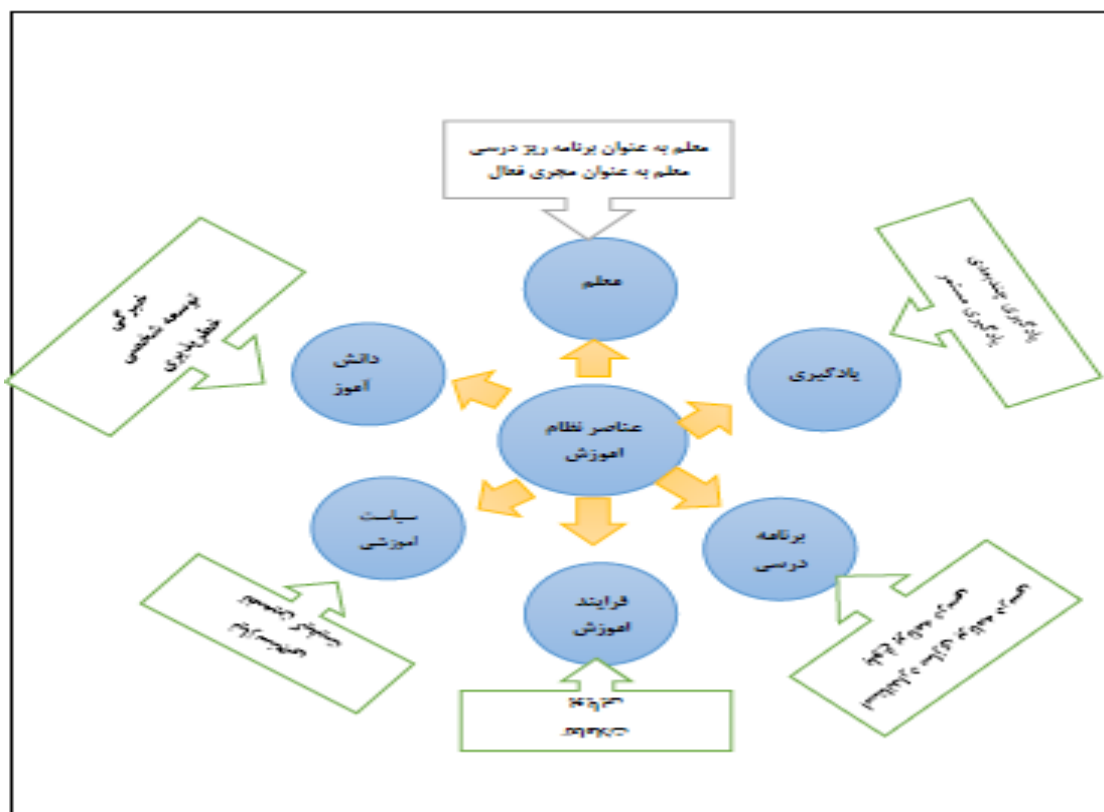
- اجرای فرایند نظام‌مند ثبت، ضبط و نوشتن داده‌ها (ضبط صدا، پیاده‌سازی مصاحبه و نگارش داده-های شفاهی) در تمامی مصاحبه‌ها.
- تحلیل سیستماتیک و روش‌مند داده‌ها و استخراج منطقی مقولات و مفاهیم انتزاعی کلان‌تر بر مبنای روش کدگذاری

جدول 1: مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد مصاحبه‌شوندگان	مدرک تحصیلی	تعداد	دانشگاه محل خدمت
04-03-02-01	دکتری	4	دانشگاه تهران
07-06-05	دکتری	3	ریزی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه
14-13-12-11-10-9-08	دکتری	7	دانشگاه فرهنگیان
18-17-16-15	دکتری	4	دانشگاه پیام نور تهران
جنسیت مشارکت‌کنندگان در پژوهش			
		7	زن
		11	مرد
رشته تحصیلی مشارکت‌کنندگان در پژوهش			
		3	مدیریت آموزشی
		6	برنامه‌ریزی درسی
		5	کارآفرینی
		2	روان‌شناسی

### یافته‌ها:

از مهمترین ابزارهای گردآوری داده‌های تحقیق، مصاحبه می‌باشد. در این تحقیق، تمامی مصاحبه‌ها ضبط شده و فایل صوتی کاملاً پیاده‌سازی گردید است. در مصاحبه‌های آخر اشباع نظری حاصل شد. در هر مصاحبه هدف از انجام پژوهش و فرایند برای فرد مصاحبه‌شونده توضیح داده شد. تحلیل داده‌های حاصل از نمونه‌ها به صورت گام به گام و پس از پایان یافتن هر مصاحبه انجام گرفته است. بعد از انجام مصاحبه، نسخه نوشتاری آن تایپ و پس از مفهوم‌پردازی در هر مصاحبه، به تدریج مولفه هر کدام از عناصر در قالب کدگذاری های باز، محوری و انتخابی استخراج شده است.



شکل 1. چارچوب مفهومی نظام جامع آموزشی کارآفرینی

عناصر	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	
سیاست گذاری	نیازسنجی	توجه به نیازهای بازار کار	من خودم همیشه دوست داشتم تاریخ بخونم ولی بعدا دیدم این رشته اصلا بازار کار خوبی ندارد الان خیلی از این پزشکان هزینه اجاره مطبشان را هم ندارند در حالی که یک نقاش ممکنه کلی درآمد داشته باشد	
			سیاستها باید طوری باشد که بتواند برنامه‌های درسی را با مقتضیات جامعه و دنیای کار پیوند بزنند الان نیازمند این هستیم که سیاست‌گذاری در حوزه جلب مشارکت میان بخش صنعت و آموزش و تسهیل انتقال از مدرسه به بازار کار مورد توجه جدی قرار بگیرد	
			الان بدلیل سرعت و حجم تغییرات، سازگار کردن برنامه‌درسی با تغییر نیازهای سریع کارفرمایان و بازار کار بسیار مهم است ابزار مهم این کار فقط شناخت آینده مشاغل است	
			امروزه سیاستگذاران آموزشی نمی‌توانند با تفکرات برنامه درسی سنتی آینده را پیش‌بینی کنند یکی از علت‌های وضعیت موجود برنامه درسی این است که برنامه درسی صرفا برای الان دانش‌آموزان نظر دارند و آینده و نیازهای آن جایگاهی در برنامه درسی ما ندارد	
			سیاست‌گذاری بدون توجه به تحولات و روندهای آینده موجب می‌شود شکاف موجود بین آموزش و پرورش و نیازها و واقعیات جامعه روز به روز عمیق‌تر شود	
			این همه جوان مدرک به دست که جویای کار هستند یعنی اینکه ما درست عمل نکردیم سیاست گذاری ما هم بعضا اشتباه است، چه اصراری داریم همه دکتر و مهندس بشن شمالان به ثبت نام کنکوری‌ها نگاه کنید. میزان بچه‌های علوم تجربی با کاردانشی‌ها قابل قیاس نیست اشنا کردن دانش‌آموزان با بازار کار منجر به توزیع متوازن آنها در شاخه های مختلف تحصیلی شود الان اگر دانش‌آموزان بداندن رشته مورد نظرشون آینده کاری ندارد واقعا به سمت ان رشته می‌روند؟ افزایش انعطاف‌پذیری برنامه‌های درسی و بالا بردن تقاضا برای آموزش را می‌توان راهکار مناسبی برای خروج از وضعیت فعلی برنامه‌ریزی درسی دانست	
			امکان رقابت در عرصه تدوین برنامه درسی را فراهم کنیم به طوری که گروه‌های مختلف امکان تدوین برنامه‌های درسی مختلف را داشته باشند	
			در عرصه تدوین برنامه درسی سیاست‌های ما باید این باشه هیچ تلاشی برای همگون کردن برنامه‌های درسی مدارس و دانش‌آموزان مختلف نباید انجام بدهیم	
			در دنیای امروز مشاغل به افراد دارای دانش و تخصص نیاز ندارند بلکه به مهارت نیاز دارند امروز بازار کار، خواهان آن است که از نیروی کار دارای تخصص و کارایی بالا برخوردار باشد محتوای آموزشی و شیوه‌های مهارت‌آموزی باید طوری باشد که دانش‌آموزان پس از فراغت از تحصیل، بتوانند به راحتی در محیط کار از مهارت خود استفاده کنند الان دیگه جامعه باید درک کنند که موفقیت در آینده صرفا از طریق افزایش مهارت بدست می‌آید	
			توسعه متوازن	
	تضمین کیفیت	کنترل کیفیت		

جدول 1 مولفه‌های بعد سیاست‌گذاری نظام جامع آموزش کارآفرینی

همانطور که جدول شماره 1 نشان می‌دهد؛ برای شکل‌گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی، عنصر سیاست‌گذاری نیازمند دو مولفه است. مولفه، نیازسنجی و مولفه تضمین کیفیت. مولفه نیازسنجی شامل خرده-مولفه‌های: توجه به نیازهای بازار کار و آینده‌پژوهی شغلی است. همچنین مولفه تضمین کیفیت شامل خرده-مولفه‌های: توسعه متوازن، کنترل کیفیت و مهارت‌محوری می‌باشد.

## جدول 2 مولفه‌های بعد برنامه درسی نظام جامع آموزش کارآفرینی

عناصر	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
بعد برنامه درسی	استاندارد سازی برنامه درسی	حرفه مندی برنامه درسی	میشود با تاکید بر گنجاندن مهارت و تاکید بر آن و کم کردن از مباحث نظری، به کاربردی بودن برنامه درسی کمک کرد
			مثلا بچه‌ها مساله مساحت را می‌توند حل کنند ولی مساحت اتاق خوابشان را نمی‌توند اندازه بگیرند
			علاوه بر شاگردان بعضا خود معلمان هم زمینه کاربرد آن چیزی را که می‌گویند را نمی‌دانند
			کیفیت برنامه درسی مدارس ما با استانداردهای موجود در بازار کار متناسب نیست
			دانش آموزان هم الان فهمیدند که آن چیزی که می‌خوندن اصلا بدرشان نخواهد خورد
			الان بعضی مدارس خوب کار می‌کنند چیزهایی به بچه‌ها یاد می‌دهند که به دردشان می‌خورد
	فرایندی برنامه درسی	برنامه درسی	صرفا با آموزش دو واحد یا برگزاری چند تا کارگاه دانش‌آموزان ما کارفرین نخواهند شد
			همین کتابها را هم می‌توان با شیوهای کارفرینانه تدریس کرد
			پیچیدگی فزاینده ساختارهای اجتماعی و لزوم تربیت و آماده سازی شهروندان برای زندگی در این ساختار برنامه درسی فرایندی را طلب می‌کند
			امروزه مربیان و صاحبان این حوزه جهت‌گیریها و انتظارات متفاوت از برنامه درسی دارند
			این مهم است که چه دانش و اطلاعاتی و چه مقدار موضوع در برنامه درسی در اختیار فراگیران باشد تا بتوانند از آن خوب استفاده کنند
			باید در خصوص پرداختن به مطالب نظری و عملی از افراط و تفریط در برنامه درسی کارفرینانه پرهیز کرد
بلوغ برنامه درسی	توازن برنامه درسی	باید بین بعد کمی برنامه درسی و کیفیت آن وقدرت یادگیری دانش‌آموز یک تناسب وجود داشته باشد	
		برنامه درسی کارفرینانه یک برنامه متوازن است یعنی بین وجه تئوری و عملی آن توازن معقولی وجود دارد	
		ارتباط با نیازها و علایق و توانایی‌های ذهنی و جسمی دانش‌آموزان از یک سو و ارتباط آن با ارزش‌ها و انتظارات جامعه از سوی دیگر هم نکنه مهمی در برنامه درسی کارفرینانه است	
		در برنامه درسی کارفرینانه بین زندگی واقعی و محتوای برنامه درسی ارتباط معقول و منطقی وجود دارد	
		الان در برنامه‌های درسی ما بین اهداف شناختی، عاطفی و روانی حرکتی و محتوای برنامه درسی، تجربیات عینی و انتزاعی و دانش علمی و کاربردی توازنی وجود ندارد	
		برنامه‌های درسی مدارس امروز فقط یک سری تئوری را به بچه‌ها یاد می‌دهند که بعدها اصلا بدرشان نمی‌خوره	
بلوغ برنامه درسی	ساختارمندی برنامه درسی	هر موضوعی را می‌توان در قالب برنامه درسی کارفرینانه تعریف کرد به شرط آن که بتوانند آن‌ها را در قالب مناسبی قرار بدهیم	
		برای طراحی برنامه درسی کارفرینانه باید بر مشخص کردن زمینه‌هایی که مهارت‌های کسب شده در آن‌ها کاربرد معنادار خواهد داشت تاکید شود	
		در برنامه درسی کارفرینانه با اطلاعات در زمان‌ها و زمینه‌ها و با هدف‌های متفاوت و از دیدگاه‌های گوناگون برخورد می‌شود	
		ساختار برنامه درسی کارفرینانه یک ساختار پیش‌رونده است یعنی دانش‌آموز را به سمت جلو تشویق می‌کند	

همانطور که جدول شماره دو نشان می‌دهد؛ برای شکل‌گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی، عنصر برنامه-درسی نیازمند دو مولفه است. مولفه استانداردسازی برنامه‌درسی و مولفه بلوغ برنامه درسی. مولفه استاندارد-سازي برنامه درسی شامل خرده مولفه‌های: هدایت، درگیری، مشارکت و انتقال است. همچنین مولفه بلوغ برنامه درسی شامل خرده مولفه‌های: توازن برنامه درسی، ساختارمندی می‌باشد.

عناصر	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
ع	معلم به عنوان برنامه‌ریز درسی	معلم مداخله‌گر	معلمان باید از بین محتوای مختلف، با توجه به دانش و تجربه خودشان محتوای مفید را گزینش و به دانش‌آموزان ارائه بدهند
			برنامه درسی ابلاغ شده، توسط معلم باید با شرایط و خصوصیات محلی، استعداد و علایق دانش‌آموزان سازگار بشود
			هر برنامه درسی بخش زایدی دارد و انتظار می‌رود معلم با توجه به شناخت و دانش خودش این زایدی‌ها را از بین ببرد
			معلمان باید سعی کنند نگرش‌های دانش‌آموزان را در خصوص آنچه باید یاد بگیرند تغییر دهند
		بهبتر است به معلمان و مدارس در زمینه برنامه ریزی درسی اختیارات بیشتری داده شود	
		معلم بستر ساز	کار معلم صرف تدریس نیست معلم با مثال‌های مختلفی که می‌زند می‌تواند کاربرد موضوع تحت آموزش را نشان بدهد
			معلمان بواسطه بازخوردهایی که از دانش‌آموزان می‌گیرند باید برنامه درسی را به سمت کاربردی شدن پیش ببرند
			یکی از وظایف معلمان ایجاد نگرش مثبت در دانش‌آموزان نسبت به برنامه‌درسی است
	باید قوانین دست و پاگیر که مانع مشارکت معلمان در برنامه‌ریزی درسی می‌شوند را از بین برد		
	معلم به عنوان مجری فعال	معلم نوآور	معلمان باید نقش مکملی داشته و در راستای مطالب آموزش برنامه های درسی جدیدی را خودشان تدوین کنند
			معلم بواسطه ابتکار خودش باید به منظور ارائه جنبه‌های مختلف یک برنامه درسی روش عرضه مواد آموزشی خاصی را بکار بگیرد
			برنامه درسی باید مداوم توسط معلمان نوآور با توجه به نیازهای جامعه بازبینی و اصلاح شود
		معلم متخصص	بواسطه آموزش های ضمن خدمت باید دانش برنامه ریزی درسی معلمان را بالا ببریم
			برای معلمان به منظور شناخت بازار کار و چگونگی رصد ان کلاس های بازآموزی برگزار کنیم
			دانش و توانمندی های علمی معلمان را بالا ببریم تا بتوانند کاربردی تر تدریس کنند
		معلم مرجع	معلمان بوسطه آینده‌نگری و دانش تخصصی می‌توانند منبع مناسبی برای معرفی محتوای مناسب و کاربردی به دانش‌آموزان باشند
با روش های مختلف منزلت اجتماعی و شانیت معلم را نزد خانواده و دانش آموز حفظ و بالا ببریم			
با واگذاری حق تصمیم‌گیری و مسئولیت پاسخگویی به مدارس و معلمان، نقش و حضور معلم پیشرونده خواهد بود			
معلم تنها فردی است که میتواند اطلاعات مناسب را در خصوص نوع یادگیری دانش آموز ارائه دهد			

### جدول 3 مولفه‌های بعد معلم نظام جامع آموزش کارآفرینی

همانطور که جدول شماره سه نشان می‌دهد؛ برای شکل‌گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی، عنصر معلم نیازمند برقراری دو مولفه است. مولفه، معلم به عنوان برنامه‌ریز درسی و مولفه معلم به عنوان مجری فعال. مولفه، معلم به عنوان مجری فعال شامل خرده مولفه‌های: معلم مداخله‌گر و معلم بسترساز است. همچنین مولفه معلم به عنوان مجری فعال شامل خرده مولفه‌های: معلم نوآور، معلم متخصص و معلم مرجع می‌باشد.



## جدول 4. مولفه‌های بعد دانش آموز نظام جامع آموزش کارآفرینی

عناصر	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
دانش آموز	خبرگی	هویت فردی	ما باید در وهله اول به دانش آموزان کمک کنیم تا خودشان را خوب بشناسند
			هر کسی خودش را بهتر از دیگران میشناسه و بر اساس همین شناخت اجازه بدهیم بچه‌هامون خودشون آینده‌شان را انتخاب کنند
			بعضا خانواده‌ها آرزوهای دست نیافته خودشان را به بچه‌هاشون تحمیل میکنند
			ما همیشه تاکید کردیم که برنامه درسی باید متناسب با نیازها، علایق و توانمندی‌های دانش آموزان باشد
		هویت حرفه‌ای	شغل‌ها باید خوب به دانش‌آموزان معرفی بشوند با تمام نقاط قوت و ضعفشون
			مطمینا یک ادم درون گرا نمی‌تونه در یک شغلی که نیازمند روابط اجتماعی بالایی است موفق باشد
			فعالیت‌های آموزشی جانبی مختلفی را در مدرسه به منظور تثبیت نقش دانش‌آموزی تعریف کنیم
			انتظارات مدرسه را طوری طرح‌ریزی کنیم دانش‌آموز متوجه این بشود که نقش او در مدرسه و بیرون مدرسه با یکدیگر متفاوتند
			هر شغلی نقاط قوت و ضعف و حسن و سختی‌های خودش را داره
			تعهد پذیری و مسئولیت پذیری را در دانش‌آموزان با ارائه تکالیف عملی تقویت کنیم
	توسعه شخصی	تمایل به توفیق	دانش‌آموزان دوست دارند در جلوی معلم و رفیقانشون یک خودی نشان بدهند باید زمینه این کار را فراهم کنیم
			فرصت‌های موفقیت، کسب تجربه‌های شیرین برای دانش‌آموزان فراهم کنیم و ازش بخواهیم از این فرصتها استفاده کنند
			از طریق یادآوری موفقیت‌های گذشته دانش‌آموزان را از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های درونی خود آگاه کنیم
			چیزی را به دانش‌آموزان بگوییم یا مطالب را طوری بگوییم که دانش‌آموزان از یادگیری لذت ببرند
			به افراد اجازه بدهیم که هر طور که می‌توانند تکالیفشون را انجام بدهید، یادگیریشون را به ما نشان بدهیم
		استقلال دانش آموزان	اینکه ما بخواهیم همه دانش‌آموزان در مدرسه به یک شکل رفتار کنند درست نیست
			نمایش برای همگون کردن رفتاری، گفتاری و کرداری دانش‌آموزان ما را به دانش‌آموزان کارآفرینانه نخواهد رساند
			دانش‌آموزان را بعضا در کلاس یا حیاط مدرسه به حال خودشان بگذاریم کاری را که دوست دارند انجام بدهند
			وظایف و مسئولیت‌های خاص به دانش‌آموزان واگذار کنیم تا آنها هم فعالیت‌های خاصی را انجام بدهد و از این طریق نتایج خاصی را بدست بیاورند
			لزومی ندارد اصرار بکنیم تا دانش‌آموز مساله را همانطور که ما گفتیم حل کند
	خطر پذیری	خلاصیت	معلم در آموزش خودش لسانا و کرداری باید به دانش‌آموز بگوید که برای یک مساله حتما یک پاسخ وجود ندارد
			به جای تکالیف یکنواخت دانش‌آموز را با موضوع جدید، غیرقابل پیش‌بینی روبه‌رو کنیم
			مساله‌ای را طرح کنیم که دانش‌آموز پاسخ‌های غیرمعمول برای حل آن مساله بدهند
			دانش‌آموز کارآفرین ارزش‌ها را تغییر می‌دهد و ماهیت آن‌ها را دچار تحول می‌نماید
		تغییر پذیری	دانش‌آموز کارفرین از فعالیت در چارچوب قیدهای مدرسه بیزار هستند
			محدودیت‌ها، قوانین دست و پاگیر، موانع که معلم در کلاس یا مدیر مدرسه وضع میکنند دانش‌آموز کارآفرینانه را عذاب می‌دهد
			بگذاریم دانش‌آموز یک تکلیف یا موضوع را خودش بارها و بارها اصلاح و بهبود بدهد

عناصر	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
دانش آموز	عزت نفس	ارزشمندی	اعتقادات دانش‌آموزان را درباره ارزش درس و کاربردی بودن آن‌ها باید تقویت کنیم
			به دانش‌آموزان این اطمینان را بدهیم که اگر در یک تکلیفی هم با ناکامی مواجه شد برای ما همچنان ارزشمند است
			بهبتر است در دانش‌آموزان این احساس را ایجاد کنیم که از طریق آموزش و پرورش آینده بهتری را بدست خواهند آورد
		خود باوری	با ذکر نمونه‌هایی به دانش‌آموزان نشان بدهیم که آموزش و پرورش قادر به پاسخ‌گویی به مسائل و مشکلات آنان است،
			مدیران باید با استفاده از برنامه ریزی درست جوی را بوجود بیاورند که در آن احساس اطمینان، اعتماد همدردی و احساس مهم بودن و شایستگی در دانش‌آموزان ایجاد شود
			توانایی مواجه شدن با موقعیت‌های جدید را در دانش‌آموزان ایجاد و تشویق کنیم
		خودکارآمدی	وقتی در انجام یک تکلیفی شکست می‌خورند آنها را تشویق کنیم تا دلسرد نشوند
			روحیه فرد را در مواجه شدن با تکلیفی که بر خورد قبلی با آنها نداشته است تقویت کنیم
			اعتماد به نفس دانش‌آموز را در مواجه با تکالیف، موقعیت‌ها جدید تشویق کنیم
		خودکنترلی	از دانش‌آموزان بخواهیم که برای مواجه شدن برای تکالیف جدید برای خودشان انگیزه‌های جدید خلق کنند
			دانش‌آموزان را تشویق کنیم برای خودشان استاندارد عملکردی سطح بالایی را تعریف کنند
			وقتی دانش‌آموز در یک آزمون موفق می‌شود آن را به توانایی خود دانش‌آموز نسبت بدهیم
			شایستگی‌های دانش‌آموزان را با ذکر مثال‌های دور و نزدیک به آنها یادآور بشویم
			دانش‌آموزان نباید تحقیر بشوند به آنها این اطمینان را بدهیم که برای ما مهم هستند

همانطور که جدول شماره چهار نشان می‌دهد؛ برای شکل‌گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی، عنصر دانش‌آموز نیازمند برقراری دو مولفه است. مولفه، خطرپذیری و عزت نفس. مولفه خطرپذیری شامل خرده مولفه‌های: هویت فردی و هویت حرفه‌ای است. مولفه عزت نفس شامل خرده مولفه‌های: ارزشمندی، خود-باوری، خودکارآمدی و خودکنترلی می‌باشد.

## جدول 5. مولفه‌های بعد تدریس نظام جامع آموزش کارآفرینی

عناصر	کدگذاری مخوری	کدگذاری مخوری	کدگذاری باز
عناصر تدریس	تعملات	هدایت	یک آموزش کارآفرینانه می‌تواند جامعه را به انجایی که می‌خواهد هدایت کند ما معتقدیم الان دیگه نقش آموزش انتقال میراث فرهنگی یا همگامی با تغییرات نیست بلکه مولد بودن تغییرات است فرایند آموزش کارآفرینانه می‌تونه دانش آموز را به سمت مفید بودن برای جامعه هدایت کند
			با آموزش کارآفرینانه دانش آموزان به خانواده و جامعه وابسته نیستند اون می‌تواند نقش هادی را داشته باشد در آموزش مبتنی بر کارآفرینی تغییرات مدام رصد و بر اساس ان دانش آموزان هدایت می‌شوند
			در فرایند آموزش با درگیر کردن بچه‌ها در خصوص تعیین آنچه باید یاد بگیرند در واقع به تناسب نیازهایی آنها و نیازهای دنیای کار پاسخ می‌دهیم
			وقتی دانش آموزان در برنامه درسی دخیل می‌شوند اهمیت، ضرورت ان برنامه را بیشتر درک می‌کنند در صورتی بچه‌ها در آینده می‌توند از آنچه یاد می‌گیرند استفاده کنند که قبلا باهانش درگیر شده باشند
			درگیر شدن دانش آموزان در برنامه های درسی باعث پخته‌تر شدن و بالغ شدن آنها می‌شود
			الان برنامه‌های کار دانش و فنی و حرفه ای را ببینید برنامه های دوره نظری هم باید از این جنس باشد شما مساحت را به دانش آموزان یاد بده ولی بجای مساله بهش بگو بره مساحت اتاق خوابش را اندازه بگیره.
		درگیری	برنامه ریزان درسی و متخصصان حوزه کارآفرینی باید برای تدوین آنچه که باید آموزش داده شود با یکدیگر مشارکت داشته باشند
			الان ارتباطی بین دنیای آموزش و دنیای حرفه ای در خصوص تدوین برنامه‌های درسی وجود ندارد
			الان بین بخش آموزش و صنعت ما هیچ ارتباطی وجود ندارد و همین یکی از دلایل عمده بیکاری ما است
			الان بدلیل نبود ارتباط نه تنها دانش آموز بلکه خود نظام آموزشی از آنچه باید آموزش داده شود درک درستی ندارد
			رسالت اصلی نظام آموزشی فراهم کردن مشارکت دانش آموزان در تعیین آنچه باید یاد گرفته شود، است
			آموزشی که در ان از قبل اهداف و محتواش تعریف شده باشد ما را به نظام آموزش کارآفرینانه نخواهد رساند
	مشارکت	خروجی فرایند آموزشی ما الان کاربردشون فقط به روز امتحان است بعدش دیگه هیچ خاصیتی ندارند	
		در نظام آموزش کارآفرینانه دانش آموز قادرند دانش کسب شده را در موقعیت‌های جدید به کار ببرند	
		الان ان چیزی که بچه‌ها در مدرسه می‌خوانند با آنچه واقعا در کف جامعه مورد نیاز است خیلی فرق داره	
		ما الان با این برنامه‌ها صرفا تایم آموزش را پر می‌کنیم اصلا به فکرش نیستیم که این برنامه بیرون از مدرسه کاربرد دارد یا نه؟	
		ایکاش می‌شد آنچه صبح دانش آموزان در مدرسه می‌خوانند بعداز ظهر در محیط خودش کاربرد داشت	
		به این دلیل بچه‌های ما خوب یاد نمی‌گیرند چون جایگاه و زمینه کاربرد ان موضوع را نمی‌دانند	
	انتقال	دانش آموز باید اجازه داشته باشند تا در خصوص مفید بودن یا غیر مفید بودن فرایند آموزش نظر بدهند	
		الان دیگه معقول نیست نظام آموزشی، مدرسه یا معلم مسیر یاددهی- یادگیری را مشخص کند	
		تحولات عصر فناوری باعث شده بچه‌های امروزی دارای چارچوب فکری بسته ای نباشند که بخوایم ان چارچوب را معین کنیم	
		جامعه آینده به دانش آموزان با تفکر خلاق و جهت‌دهنده و انتقادی نیاز دارد	
		الان در بهترین حالت نظام آموزشی و عناصر ان فقط شروع کننده هستند جهت دهی این مسیر دیگه با خود دانش آموزان است	
		با توجه به تغییرات و سرعت ان، نمی‌توان مفهوم آموزش از پیش طرح‌ریزی شده را به راحتی بکار برد	
پویایی	فرایند آموزش مدام باید بر اساس تغییراتی که در جامعه اتفاق می‌افتد، انتظارات بیرون مدرسه، نیازهای بازار کار و درخواست کارفرمایان مورد بررسی قرار بگیرد		
	ما باید استاندارد آموزش، برنامه درسی را بشناسیم و آنچه در کلاس اتفاق می‌افتد را بر اساس ان بایدها بسنجیم		
	برنامه درسی، آموزش، یا هر جزء فرایند یادگیری اگر مورد ارزیابی قرار نگیرد رو به زوال می‌رود		
	انتظارات، ملاک و استانداردهای جامعه مدام رصد بشوند و آنچه در مدرسه اتفاق می‌افتد بر اساس ان ارزیابی بشوند		
	در فرایند آموزش دانش، مهارت و نگرش باید مورد تاکید قرار بگیرد که در نهایت موجب ارتقاء دانش آموز می‌شود		
	هدف اصلی فرایند آموزش باید توسعه شایستگی های فنی و غیرفنی مورد نیاز دانش آموزان باشد		
باندگی	برای رسیدن به نظام آموزش کارآفرینانه فرایند آموزش نباید نتیجه محور، بلکه باید فرایند محور باشد		
	ما باید فرایند آموزش را طوری پیاده کنیم که منجر به پخته شدن، یک قدم جلوتر رفتن دانش آموزان بشویم		
	ما باید فرایند آموزش را طوری پیاده کنیم که خود دانش آموزان متوجه بشوند که دارند به سوی جلو حرکت می‌کنند		

همانطور که جدول شماره پنج نشان می‌دهد؛ برای شکل‌گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی عنصر تدریس نیازمند دو مولفه است. مولفه تعاملات و مولفه پویایی. مولفه تعاملات شامل خرده مولفه‌های: هدایت، درگیری، مشارکت و انتقال است. همچنین مولفه پویایی شامل خرده مولفه‌های: استقلال، بروزرسانی و بالندگی می‌باشد.

جدول 6 مولفه‌های بعد یادگیری نظام جامع آموزش کارآفرینی

عناصر	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
یادگیری	یادگیری چندبعدی	یادگیری یکپارچه	الان آموزش‌های مدرسه صرفاً آموزش شناختی است و این برای کارآفرین شدن کافی نیست
			نظام آموزشی ما نمی‌تونه مدعی این باشه که هر چیزی را که برای یک عملکرد مناسب در یک شغل لازم است به بچه‌های ما یاد می‌دهد
			الان متأسفانه بعد عاطفی دانش‌آموزان اصلاً در مدارس بهشون پرداخته نمی‌شه
			در برنامه درسی کارآفرین جریان یادگیری نقطه شروع وجود نداره یعنی همیشه و همه جا عرصه یادگیری است
			صرف آموزش ریاضی، فیزیک و شیمی بدر انسان خوب بودن یا شاغل خوب بودن نمی‌خوره
			ویژگی مهم برنامه درسی کارآفرین تاکید بر مفهوم پایدار موجود در تعریف یادگیری است
	یادگیری پایدار	یادگیری پایدار	ما در آموزه‌های دینی هم داریم که تاکید می‌کند اندیشیدن را بیاموزیم نه اندیشه را
			یادگیری نباید قائم به متن و مدرس باشد و با تمام‌شدن دوره تحصیل مطالب از بین بروند
			زمانی که بچه‌ها آنچه را در کلاس خونند در زندگی‌تون انجام دادن یعنی وارد برنامه درسی کارآفرینانه شده‌ایم
			دانش‌آموزان باید طوری بار بیایند که تعیین‌کننده جهت و مسیر یادگیری خودشان باشند
			آموزش متکی بر انتقال صرف محتوا و موضوعات ثابت، دیگر هدف برنامه ریزان آموزشی نیست، آنچه بیش از همه مورد نیاز است «یادگیری چگونه یادگرفتن» است
			فراگیران با کمک معلم یا بدون کمک او باید تشویق بشوند نیازهای یادگیری خود را تشخیص بدهند و بر این اساس اهداف، منابع، راهبردهای یادگیری و ارزیابی تدوین کنند
	یادگیری مستمر	یادگیری خودراهبر	شما باید کمک کنید طوری یادگیری ایجاد بشود که به دانش‌آموزان در استفاده موثر از دانش کمک شود تا از این طریق آنها برای زندگی حرفه‌ای آماده شوند
			یادگیری مطالب باید طوری باشه که فرد را قادر کند با تغییرات سریع آینده سازگار شود.
			امروزه دانش به صورت تصاعدی چند برابر شده و مدام مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد و این یعنی اینکه یادگیری به نقطه خاصی ختم نمی‌شود
			بخاطر سرعت زیاد تغییرات ما باید دانش‌آموزی تربیت کنیم که بتواند همپای تحولات جامعه نقش مفید و سازنده- ای ایفا کند
			امروزه تحقق اهداف آموزش و پرورش در گرو این است که افراد در یک فرایند دائمی، آگاهانه و مسئولانه، درگیر شوند
			ما باید تلاش کنیم تا محیط‌های یادگیری خارج از مدرسه را با محیط یادگیری درون مدرسه ارتباط دهیم
یادگیری مداوم	یادگیری مداوم	امروزه هر محیطی، بالقوه یک محیط یادگیری است و در نتیجه مدرسه دیگر جایگاه منحصر تعلیم و تربیت نیست،	

همانطور که جدول شماره شش نشان می‌دهد؛ برای شکل‌گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی، عنصر یادگیری نیازمند دو مولفه است. مولفه یادگیری چندبعدی و مولفه یادگیری مستمر. مولفه یادگیری چندبعدی شامل خرده مولفه‌های: یادگیری یکپارچه و یادگیری پایدار است. همچنین مولفه یادگیری مستمر شامل خرده مولفه‌های: یادگیری خودراهبر، یادگیری مداوم می‌باشد.

## جدول 7- ابعاد، عناصر و مولفه‌های نظام جامع آموزشی کارآفرینی

مولفه	عناصر	ابعاد نظام آموزشی
توجه به نیازهای بازار کار	نیازسنجی	سیاست گذاری
اینده پژوهی شغلی		
توسعه متوازن	تضمین کیفیت	
کنترل کیفیت		
مهارت محوری		
حرفه‌مندی برنامه درسی	استانداردسازی برنامه درسی	برنامه درسی
برنامه درسی فرایندی	بلوغ برنامه درسی	
توازن برنامه درسی		
ساختارمندی برنامه درسی		
معلم مداخله‌گر	معلم به عنوان برنامه‌ریز درسی	معلم
معلم بسترساز		
معلم نوآور	معلم به عنوان مجری فعال	
معلم متخصص		
معلم مرجع		
خود کنترلی		
هویت فردی	خبرگی	دانش آموز
هویت حرفه‌ای		
تمایل به توفیق	توسعه شخصی	
استقلال در یادگیری	خطرپذیری	
خلاقیت		
تغییرپذیری	عزت نفس	
ارزشمندی		
خود باوری		
خودکارآمدی		
خود کنترلی		
هدایت	تعاملات	تدریس
درگیری		
مشارکت	پویایی	
انتقال		
استقلال		
بروزرسانی	یادگیری چندبعدی	یادگیری
بالندگی		
یادگیری یکپارچه	یادگیری مستمر	
یادگیری پایدار		
یادگیری خودراهبر		
یادگیری مداوم		

## بحث و نتیجه گیری:

هدف از این مطالعه طراحی الگوی نظام جامع آموزشی کارآفرینی بر اساس عناصر نظام آموزش و پرورش می‌باشد. بر اساس بررسی‌های محقق تاکنون پژوهشی که در آن بر عناصر نظام آموزشی تمرکز و به بررسی این موضوع پرداخته باشد که برای ایجاد یک نظام جامع آموزشی کارآفرین هر کدام از این عناصر باید دارای چه مولفه‌ی باشند انجام نشده است بر این اساس هر کدام از مولفه‌هایی که برای این عناصر در این پژوهش حاصل شده است در نوع خود کار بکر و تازه‌ای می‌باشد. دومین نوآوری این پژوهش در استفاده از روش نظریه داده بنیاد است. در پژوهش‌هایی که با موضوع کارآفرینی انجام شده است عمدتاً از روش پیمایشی استفاده شده است. در حالی که در این پژوهش بدلیل اینکه موضوع کارآفرینی، یک پدیده زنده است و دارای ماهیت کنشی و فرایند محور می‌باشد به طوری که افراد مختلف ممکن است تجربیات و تعابیر متفاوتی از آن داشته باشند، به منظور ایجاد یک شناخت که دربردارنده نقشه جامعی از تجربیات افراد مختلف باشند، محقق باید از روشی استفاده می‌کرد که بتواند این جامعیت را تحت پوشش قرار دهد. برای رسیدن به این مهم در این تحقیق از روش نظریه داده بنیاد - هیافت گلپزری - استفاده شد. بدین صورت که در این روش در رابطه با پدیده کارآفرینی و مولفه‌های نظام آموزشی، یک سلسله رویه‌های سیستماتیک بکار گرفته می‌شود تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره پدیده مورد نظر ایجاد شود. به عبارتی در این پژوهش با استفاده از یک دسته داده‌ها که از منابع اطلاعاتی مختلف؛ مصاحبه با برنامه ریزان درسی، صاحب‌نظران عرصه کارآفرینی، صاحب‌نظران حوزه مدیریت آموزشی و روانشناسان گردآوری شده است، مولفه هر کدام از عناصر نظام آموزشی به منظور شکل - گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی احصا شده است.

اولین بعد نظام آموزشی که در این تحقیق مورد سوال قرار گرفت، بعد سیاست‌گذاری بود. از نظر خبرگان، فرایند سیاست‌گذاری برای شکل‌گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی نیازمند دو مولفه نیازسنجی و تضمین کیفیت است. مولفه نیازسنجی دارای دو خرده مولفه توجه به نیازهای بازار کار و آینده‌پژوهی شغلی است و مولفه تضمین کیفیت دارای سه خرده توسعه متوازن، کنترل کیفیت و مهارت محوری است.

دومین بعد نظام آموزشی که در این تحقیق مورد سوال قرار گرفت، بعد برنامه درسی بود. از نظر خبرگان، برنامه درسی برای شکل‌گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی نیازمند دو مولفه استانداردسازی برنامه درسی و بلوغ برنامه‌درسی است. استانداردسازی برنامه درسی دارای دو خرده مولفه حرفه‌مندی برنامه درسی، برنامه درسی فرایندی است. مولفه بلوغ برنامه درسی نیز دارای دو خرده مولفه توازن برنامه درسی و ساختارمندی برنامه درسی است. در خصوص استانداردسازی برنامه درسی می‌توان چنین تبیین کرد یکی از کارهای اساسی در آموزش و پرورش برای بهبود کیفیت، استانداردسازی برنامه درسی است. اهمیت تدوین استانداردهای برنامه درسی به حدی است که در برخی از کشورها، عمده مباحث مطرح شده در «سند ملی» به این امر اختصاص دارند. استاندارد برنامه درسی بیان منسجم و متوازن انتظاراتی است که در یادگیری دانش‌آموزان مطرح‌اند. در واقع این استانداردها به سطح مطلوب یا کیفیت ملاک‌های یادگیری اشاره می‌کنند و تعهد دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت برای بهتر شدن برنامه محسوب می‌شوند. استانداردهای برنامه درسی معیار مناسبی برای قضاوت در سطح ملی، ایالتی و محلی هستند و ساختاری را فراهم می‌آورند که بر مبنای آن می‌توان برنامه درسی محلی غنی و عمیقی را بنا نهاد. بر اساس سطح مطلوبی که استانداردهای برنامه درسی نشان می‌دهند، می‌توان وضعیت عملکرد را در سه بعد فرد، واحد و سازمان آموزشی سنجید و در تعیین موارد آموزشی، تعیین وظایف معلمان و تصمیمات آموزشی، از آن استفاده کرد. در خصوص بلوغ برنامه درسی می‌توان گفت برنامه درسی مبتنی بر اصول واقع‌بینی، ضمانت اجرایی، انطباق با نیازها، تجربه‌ها و انتظارات دانش‌آموزان، انطباق با مقتضیات زمانی و مکانی محیط اجرا و .... برخوردار باشد. این نکته‌ای است که مورد توجه صاحب‌نظران مختلف برنامه درسی بوده است به طوری که برخی معتقدند برنامه درسی پیش از آنکه برای دانش‌آموزان تدوین شود باید برای معلمان تدوین شود (مهر محمدی، 1396) این بدین معنی است که برنامه درسی برای اینکه بتواند در دانش‌آموزان موثر واقع شود و آنان را به حرکت درآورد در وهله اول لازم است در معلمان موثر واقع شود. این امر در صورتی است که برنامه‌درسی به حدی از پختگی و استقلال رسیده باشد که با مقتضیات زندگی دانش‌آموزان هماهنگ باشد.

سومین بعد نظام آموزشی که در این تحقیق مورد سوال قرار گرفت، بعد معلم بود. از نظر خبرگان، به منظور شکل‌گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی عنصر معلم دارای دو مولفه معلم به عنوان برنامه‌ریز درسی و معلم به عنوان مجری فعال است. مولفه معلم به عنوان برنامه‌ریز درسی دارای دو خرده مولفه معلم مداخله‌گر و معلم بسترساز است و مولفه معلم به عنوان مجری فعال دارای سه خرده مولفه معلم نوآور، معلم متخصص و معلم

مرجع است. در آموزش سنتی که یادگیری به منزله کسب معلومات و اطلاعات از سوی یادگیرنده قلمداد می‌شود معلم به عنوان یاددهنده در جریان تدریس، نقش اصلی را به عهده دارد. در این نقش، هدف اولیه معلم آگاه کردن یادگیرندگان از طریق آموزش مستقیم است یعنی گفتن و سخنرانی کردن عمدتاً پشتیبانی شده به وسیله کتاب‌های درسی (ویگینز و مک تایگه<sup>1</sup>، 2102). هاردن و کراس بای<sup>2</sup> (2000) در این باره می‌گویند «در نظام آموزشی کارآفرین معلم را در حکم یک ارائه‌کننده اطلاعات و نیز به عنوان یک تسهیل‌گر یادگیری می‌بینیم که دانش‌آموز را ترغیب می‌کند تا برای کسب اطلاعات خود مسئولیت به عهده بگیرد و به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا یاد بگیرند. در این نظام آموزشی معلمان در عمل تنوع گسترده‌ای از نقش‌ها را انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، «دامنه وظایف حرفه‌ای انجام شده توسط معلمان گسترده و فراگیر است اما مهمتر از همه این است که، ارتقاء یادگیری برای همه دانش‌آموزان در کانون و قلب نقش معلم، قرار دارد (دسوس و همکاران، 2008) معلمان باید هم در محتوای خودشان اطلاعات زیادی داشته باشند و هم در دامنه وسیعی از رویکردهای تدریس برای تأمین نیازهای متعدد یادگیری هر دانش‌آموز دارای مهارت باشند. لذا باید به «معلمان کمک کرد تا یاد بگیرند که به صورت هنرمندانه در کار دانش‌آموز مداخله کرده و دانش‌آموزان را برانگیزند، همه اینها آنچه را که دانش‌آموزان می‌توانند یاد بگیرند که انجام دهند تحت تأثیر قرار می‌دهد (فاینلی<sup>3</sup>، 2000). علاوه بر این امروزه تغییرات تکنولوژیکی و الزامات زندگی در عصر اطلاعات و روبه‌رویی با نیازمندی‌های روزافزون و متنوع، نوع تواناییها و مهارتهایی را که در فرایند تدریس برای معلمان ضروری است دگرگون ساخته است. در شرایط کنونی به دلیل انفجار دانش و کمبود فرصت معلم برای کسب اطلاعات لازم در حوزه تخصصی خویش، ابتناء تدریس و آموزش بر تفکر، تحقیق، خلاقیت، و ابتکار اهمیت مضاعف دارد. در این معنا، تدریس فرمی از اقدام انسانی است که در آن بسیاری از اهدافی که حاصل می‌شوند نوپدید هستند یعنی در جریان تعامل با دانش‌آموزان یافت می‌شوند به جای آن که از پیش اندیشیده باشند. در این فرم از اقدام انسانی، معلم مدیر خط تولید نیست که در آن محصولات مطابق با جزئیات پردازش و فرآوری شوند. در روش‌های جدید تدریس تأکید بر فرایند تدریس و یادگیری است. یعنی معلمان به جای این که یافته‌های علمی را به دانش‌آموزان منتقل نمایند و از آنها بخواهند که این مطالب را به خاطر سپرده و به صورت محفوظاتی پس دهند، تأکید را روی فرایند گذاشته‌اند و دانش‌آموزان و فراگیران را فعالانه در فرایند و روند یادگیری قرار می‌دهند. (زمانی و لیاقتدار، 1381)

چهارمین بعد نظام آموزشی که در این تحقیق مورد سوال قرار گرفت، بعد دانش‌آموز بود. از نظر خبرگان، برای شکل‌گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی عنصر دانش‌آموز نیازمند چهار مولفه خبرگی، توسعه شخصی، خطرپذیری، عزت نفس است. مولفه خبرگی دارای دو خرده مولفه هویت فردی و هویت حرفه‌ای است و مولفه توسعه شخصی دارای دو خرده مولفه تمایل به توفیق و استقلال در یادگیری و مولفه خطرپذیری دارای دو خرده مولفه خلاقیت و تغییرپذیری و مولفه عزت نفس دارای چهار خرده مولفه ارزشمندی، خود باوری، خودکارآمدی و خودکنترلی است. در تبیین این یافته می‌توان گفت در نظام آموزش سنتی دانش‌آموزان غالباً یک هویت ثابت و از پیش تعریف شده‌ای را برای خود قائل هستند که این هویت نقش آنان را در فرایند یاددهی- یادگیری یک عنصر منفعل و دریافت‌کننده اطلاعات می‌داند که موظف است ساعات معینی از روز را تحت آموزش یک درس خاص قرار گیرد، اطلاعاتی را دریافت کند و در نهایت پس از پایان دوره آموزش، این اطلاعات دریافت شده را به معلم انتقال دهد. این همان هویتی است که پائولو فریر از آن تحت عنوان بانکداری آموزشی اسم می‌برد. این هویت یا بر حسب تجربه آموزشی خود دانش‌آموزان طی سالیان گذشته توسط آنان تشکیل شده است و یا توسط مجریان به آنها القا شده است. در حالی که در نظام آموزشی کارآفرینانه نقش دانش‌آموز یک نقش منفعل و پذیرا نیست. در نقطه مقابل، در نظام آموزش و پرورش کارآفرینانه که نقش اصلی و اساسی در فرایند آموزش و یادگیری به عهده دانش‌آموزان است، به نقش تجربه و فعالیت یادگیرنده در جریان یادگیری اهمیت داده می‌شود.

پنجمین بعد نظام آموزشی که در این تحقیق مورد سوال قرار گرفت، بعد فرایند تدریس بود. از نظر خبرگان، فرایند تدریس برای شکل‌گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی نیازمند دو مولفه تعاملات و پویایی فرایند آموزش است. در تبیین این یافته می‌توان گفت موسسات آموزشی باید بپذیرند که وارد مرحله جدیدی از حیات

<sup>1</sup> - Wiggins & McTighe

<sup>2</sup> - Harden & Crosby

<sup>3</sup> - Finley

خود شده‌اند و دیگر وظایف و کارکردهای آنها از دو وظیفه سنتی یعنی آموزش و پژوهش فراتر رفته و در این مقطع ضرورتاً باید کارآفرینی را در رأس کارهای خود قرار دهند، به این منظور با تدوین چشم انداز کارآفرینی، تغییر در مأموریت و رسالت خود، تدوین سند ملی کارآفرینی، طراحی چشم انداز برای تعامل با صنعت، تدوین چشم انداز مشترک با صنعت، و طراحی و تدوین سند ملی ارتباط با صنایع می‌تواند تحولات ایجاد شده در رسالت و مأموریت جدید را نهادینه و خود به سوی کارآفرین شدن پیش خواهند رفت که برای این کار از فناوری‌های نوین اطلاعاتی استفاده، کارآفرینی را در سیاست‌های خود تلفیق، با دید و نگاه کارآفرینانه به استخدام نیروی انسانی می‌پردازند. با انجام چنین اقداماتی است که موسسات آموزشی نقش و رسالت متحول شده خود در جامعه را درک و به خوبی برای انجام این رسالت تلاش خواهند کرد. وقتی که موسسات آموزشی رسالت جدید خود را پذیرفتند و خود را برای آن آماده کردند عنصر کارآفرینی در تمام فعالیت‌های آموزشی آنان به چشم خواهد خورد.

ششمین بعد نظام آموزشی که در این تحقیق مورد سوال قرار گرفت، بعد فرایند یادگیری بود. از نظر خبرگان، برای شکل‌گیری نظام جامع آموزشی کارآفرینی فرایند یادگیری دارای دو مولفه یادگیری چندبعدی و یادگیری مستمر است. یادگیری چند بعدی دارای دو خرده مولفه یادگیری یکپارچه و یادگیری پایدار است. و مولفه یادگیری مستمر دارای دو خرده مولفه یادگیری خودراهبر و یادگیری مداوم است. در تبیین این یافته می‌توان گفت در نظام آموزش سنتی جهت‌گیری رویکرد یادگیری بیشتر شناختی و معطوف به حوزه‌های نازل یادگیری از قبیل دانش می‌باشد و بر این اساس این نظام آموزشی با کلیت یادگیری انسان سروکار ندارد به عبارت دیگر در ایجاد یادگیری در دانش‌آموزان، وجهه همت خود را بر ایجاد یک بعد از ابعاد یادگیری (شناختی) گذاشته و سایر ابعاد یادگیری از قبیل بعد عاطفی و روانی حرکتی را مورد غفلت قرار می‌دهد. در نتیجه این امر، چون بار عمده مطالب شناختی است، پس از پایان دوره آموزش، بدلیل عدم کاربرد، مطالب اموخته شده از بین می‌روند و به فراموشی سپرده می‌شوند ولی در نظام آموزش کارفرین چون رویکرد یادگیری مبتنی بر رویکرد سازنده‌گرایی است و دانش‌آموز نقش اول را در تشکیل و ایجاد یادگیری دارد تشکیل فرایند یادگیری صرفاً از بعد شناختی نیست. چون خود دانش‌آموز نقش اصلی را در ایجاد یادگیری دارد مطالب اموخته شده از زوایا و ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته و در نتیجه از استحکام بیشتری برخوردار بوده و کمتر دچار زوال و فراموشی می‌شوند.

در ادامه به برخی از پیشنهادهایی که می‌توانند به عملیاتی شدن و اجرایی‌سازی مولفه‌های نظام آموزش کارآفرین کمک کنند اشاره می‌شود:

پیشنهاد می‌گردد برنامه‌ریزان آموزشی و درسی و دست اندرکاران تربیتی در تمام دوره تحصیلی، اهتمام و عنایت خود را در بهره‌گیری از مولفه تعریف شده برای هر یک از عناصر نظام آموزشی ذکر شده در این تحقیق به کار بسته و در برنامه‌ریزی‌های جاری و آتی خود آنها را لحاظ نمایند.

پیشنهاد می‌شود متناسب مولفه تعریف شده برای هر یک از عناصر نظام آموزشی، از روش‌های آموزشی، فرصت‌های یادگیری و محیط‌های آموزشی، آموزشگران، ساختار و مدیریت مناسب برای آرایه دوره‌های آموزش کارآفرینی بهره گرفته شود.

پیشنهاد می‌گردد برنامه‌ریزان آموزشی و درسی و دست اندرکاران تربیتی به منظور آشنایی معلمان، خانواده‌ها، مدیران با نظام آموزش کارآفرینانه و استفاده از ظرفیت‌ها و نقاط قوت شکل‌گیری این نوع نظام آموزشی کارگاه‌های آموزشی برگزار گردد.



## فهرست منابع:

- احمدپور دریانی، محمود (1394). کارآفرینی: نظریات، تعاریف، الگوها. تهران: انتشارات پردیس
- احمدپور دریانی، مقیمی محمد (1385). مبانی کارآفرین، تهران؛ فراندیش.
- حسینی خواه علی (1388). امکان و ضرورت آموزش کارآفرینی در مدارس، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال سوم، شماره 11. صفحات 66-96.
- سبزه بتول (1397). طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان و ارزشیابی آن از دیدگاه متخصصان برنامه درسی، کارآفرینی و مربیان. فصلنامه مطالعات پیش دبستان و دبستان، سال اول، شمار یکم.
- شبخان ناهید (1388). آموزش و ترویج کارآفرینی میان دانش‌آموزان. مجله سیاسی و اقتصادی، شماره 245، صص 272-281.
- طغرابی محمد تقی، میرواحدی سید سعید، هاشمی سمیه (1398). طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره 71 سال هیجدهم.
- گروه آموزشی سازمان همیاری اشتغال دانش‌مختگان جهاد دانشگاهی (1381). مروری بر وضعیت کارآفرینی در ایران. سایت [www.jobiran.ir](http://www.jobiran.ir)
- محمدی الیاسی قنبر، زعفریان رضا، مافی بهاره (1394). شناسایی منابع و روش‌های یادگیری کارآفرینان اینترنتی ایران: سنخ‌شناسی و اولویت‌بندی روش‌های یادگیری. فصلنامه مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند 8، 2، صص 100-120.
- محمدی محمدحسن میرزا، پورطهماسی سیاوش، تاجور آذر (1387). موانع و راهکارهای کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران، ماهنامه اجتماعی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره 97 و 96 / صفحات 34-47.
- نوتاش هادی، محمدی الیاسی فنبر، رضایی زاده مرتضی (1395). شناسایی شایستگی‌های عمومی عاملین توسعه خوشه‌های کسب و کار ایران. نشریه توسعه کارآفرینی. دوره 9، شماره 4، صفحه 769-788.
- Finley, Sandra J (2000) Instructional coherence, changing role of the teacher, southwest educational development laboratory (SED L), pp 1-22.
- Ghafar, Abdul – International Journal of Higher Education (2020). [Convergence between 21st Century Skills and Entrepreneurship Education in Higher Education Institutes](#). International Journal of Higher Education Vol. 9, No. 1.
- Harden, R.M. Crosby J.R (2000) The good teacher is more than a lecturer – the twelve roles of the teacher, AMEE Medical education guide no 20, Medical Teacher 22(4), pp 334 – 347.
- Henley, A., Contreras, F., Espinosa, J.C., & Barbosa, D. (2017). Entrepreneurial intentions of Colombian business students: planned behavior, leadership skills and social capital. International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research, 23(6), 1017-1032. <https://doi.org/10.1108/IJEBR-01-2017-003>.

- Johnson, S., Snowden, N., Mukhuty, S., Fletcher, B., & Williams, T. (2015). Entrepreneurship skills: Literature and policy review. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/>.
- Kirina, S.P. (2010). The challenges of integrating entrepreneurship education in the vocational training system: An insight from Tanzania's Vocational Education Training Authority. *Journal of European Industrial Training*, 34(2), 153-166.
- Kuip, I. van der and I. Verheul. (2004). Early development of entrepreneurial qualities: the role of initial education, international. *Journal of Entrepreneurship Education*, forthcoming.
- Mkala, D.M., & Wanjau, K. (2013). Transforming implementation of entrepreneurship education programme in technical training institutions in Kenya. *European Centre for Research Training and Development UK*, 1(3), 18-27.
- Ogundele, M.O., Kayode, D.J., Oduleke, F.L., & Alade, O.S. (2013). Private sectors involvement and entrepreneurial education of secondary schools in Kwara State, Nigeria. *Journal of Entrepreneurship and Management*, 2(1), 13-19.
- Oosterbeek, H.v. (2010). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurship skills and motivation. *European Economic Review*, 54(3), 442-454.
- Otuya, Kibas. Otuya Robert Otuya, Peter Kibas, Janet Otuya. (2013). A Proposed Approach for Teaching Entrepreneurship Education in Kenya. *Journal of Education and Practice*, Vol.4, No.8, 2013. Pp 204 – 210 . [www.iiste.org](http://www.iiste.org)
- Rambe, P., Ndofirepi, T.M., & Dzansi, D.Y. (2015). Influence of entrepreneurial education and technological creativity on entrepreneurial intentions of students in Zimbabwe: A theoretical perspective. *European Conference on Innovation and Entrepreneurship*, 576-584
- Sandirasegarane, Sharmila; Sutermeister, Staci; Gill, Alyssa; Volz, Jennifer; Mehta, Khanjan (2016). [Context-Driven Entrepreneurial Education in Vocational Schools](#). *International Journal for Research in Vocational Education and Training (IJRVET)* Vol. 3, Issue 2, August 2016, 106-126
- Van der Sluis, J. and Van Praag, M(2008) .Education and Entrepreneurship Selection and Performance: A Review of The Empirical Literature. *Journal of Economic Surveys*, 22(5): 795–841
- van Praag, C.M., & Versloot, P.H. (2007). What is the value of entrepreneurship? A review of recent. *Small Bus Econ*, 351-382.
- Weiss, T.G. (2015). Local understandings of the entrepreneur and entrepreneurship: A phenomenological case study from the southern highlands of Tanzania. University of Minnesota. Ann Arbor: ProQuest Dissertations Publishing.

## **Designing a Conceptual Model of a Comprehensive Entrepreneurship Education System: Dimensions, Elements and Components**

**Mohsen dibaei saber, mehdi sobhaninejad**

The present study was conducted to design a model of entrepreneurial education system based on the elements of the education system. The research method is qualitative and based on Grounded theory. The statistical population of the study was experts in the field of management and educational and curriculum planning, psychology, entrepreneurship education, which was performed using Purposeful sampling with eighteen of them in a saturated interview. The data collection tool was a semi-organized interview in which the Strauss-Corbyn inductive approach was used to understand the meanings and themes contained in it. In this study, six elements of the educational system including educational process, curriculum, learning process, educational policies, teacher and student were examined and tried to form the components of each of these elements in order to form Identify the entrepreneurial education system. Based on the research findings, the most important components of the education process element (interactions and dynamics), curriculum element (standardization of curriculum and maturity of curriculum), learning element (multidimensional learning and continuous learning), policy element (needs assessment) And quality assurance), the element of teacher (teacher as curriculum and teacher as active executor) and student element (expertise, personal development, risk-taking and self-esteem).

**Keywords:** Elements, Component, Educational System, Entrepreneurship.